

ایران و معاهدات ،، کاپیتولاسیون“

جامعه بشر از لحاظ احتیاجات عمومی برای تنظیم مسائل سیاسی یا اجتماعی یا اقتصادی یا قضائی و برای ادامه و توسعه روابط دوستی و استحکام مبانی آن عهد نامه هائی منعقد نموده و در متن آنها شرایط دوستی و تعهدات متقابل را تحت مواد معینی تدوین می نماید. واضح است که اعتبارات ملّتی (سیاسی، اجتماعی، قضائی و غیره) را بخوبی می توان از متن آن معاهدات استنباط نمود و بعبارت ساده تر معاهدات میبایست تمامیت ارضی و حاکمیت واقعی و اقتدارات مادّی و معنوی و شئونات سیاسی هر ملّتی بوده وزن و مقام آن در جامعه از قرائت مواد يك عهدنامه کاملاً آشکار میگردد. ملّتی که در تنظیم عهد خود بی قیدی نشان دهد نه فقط تسلّط دیگران را در حقیقت از روی میل و رغبت قبول کرده و به اسارت تن داده بلکه بعدم رشد سیاسی خود کاملاً اعتراف و از حقوقی که در جامعه ملل داراست صرف نظر کرده است.

اوراقی که اینقدر در حیات مادّی و معنوی ملّتی اثرات مستقیم دارد باید مندرجات آن خیلی محل دقت و ملاحظه واقع شده با حالت روحی و ترتیبات واقعی آن ملت نیز مطابقت نماید.

یکی از مسائل اساسی و اهمی که باید مندرجات همان عهد دارا باشند تساوی حقوق متعاهدین می باشد. در صورت یکطرفی بودن عهد ضعف و ناتوانی بر آن ملّت مستولی گشته و نباید انتظار داشت که آن ملّت در امور سیاسی و حتی در مسائل اقتصادی و اجتماعی ترقی و پیشرفت نماید. مثلاً هرگاه دونفر شخص عادی باهم قرار داد خصوصی منعقد نمایند و مطابق آن یکی از طرفین حقوق و امتیازاتی را دارا باشد که طرف مقابل از استفاده آن ها محروم باشد آیا عقلاً میشود تصوّر کرد که روزی هم حقوق طرف ضعیف

نامین گشته بتواند بسایر مسائل مربوطه زندگانی شخصی خود نیز رسیدگی کرده اوضاع پریشان خود را ترمیم و اصلاح نماید؟ بالعکس از آنجائیکه منکوب اراده طرف مقابل خوداست نه فقط نمی تواند حقوق خود را حفظ نماید بلکه کم کم این حالت اسارت و تسلیم صرف در مقابل اراده قوی قوای معنوی و عواطف باطنیه او را مغلوب کرد. حتی از اداره نمودن زندگانی یومیه خود نیز عاجز خواهد ماند و برای استخلاص گریبان خود از این بی چارگی جز بهم زدن قراردادیکطرفی و برقراری تساوی حقوق نخواهد داشت هرگاه نظریه پاره ای از عهد منعقد فیما بین ایران با بعضی از دول بشود مشاهده خواهد شد که مع التأسف متن کلیه آن معاهدات حاکی از یکطرفی بودن آن عهد میباشد. حقوق و امتیازاتی را بعضی دول در ایران دارا هستند که دولت و اتباع ایران از استفاده آنها در خاک همان دول محروم و بی نصیب اند. با این تفصیل اصل ثابت استقلال و تمامیت ارضی ایران کاملاً مورد احترام و توجه آنها نمی باشد و در بعضی موارد حقوق حقّه مسلمه ایران نیز پایمال میگردد.



منبع تمام این خرابیها عهد نامه صلح و تجارتی است که در ۵ شعبان ۱۲۴۳ در ترکان چای جبراً و بزور منشاء این امتیازات سر نیزه با ایران تحمیل شده بود.

عهد نامه مزبور که خوشبختانه امروز لغو و باطل شده است از لحاظ مسائل سیاسی و ارضی دارای مضراتی بوده که ذکر آنها بی مورد و از موضوع بحث ما خارج است، ولی مع التأسف پاره ای اثرات شوم بعضی از مواد معاهده مذکور که سایر دول در موقع عقد عهدنامه با ایران بعنوان اصل «ملت کامله الوداد» (nation la plus favorisée) در متن عهد خود قرار داده اند باقی است و با وجود ابطال عهدنامه مزبور هنوز از آنها استفاده می کنند.

فصول ۵، ۶، ۷ و ۸ عهدنامه تجارتي تركان چای (۱) باتغییر عبارات همانطور که فوقاً ذکر شد در متن تمام عهودیکه دولت ایران از آن تاریخ به بعد با سایر دول منعقد نموده متأسفانه مندرج است و بموجب آن اتباع دول خاجه در ایران از حیث مسائل حقوقی و جزائی امتیازات مخصوصی را دارا بوده، پاره ای موارد مصونیت قوانین ایران (رجوع بقسمت اول فصل هفتم شود) نیز متزلزل بوده و قوانین مملکت اجنبی در خاک ایران حکم فرماست.

امروز که خوشبختانه در اثر موافقت اولیاء دولت جمهوری سویت روسیه عهدنامه تركان چای لغو شده است اصولاً و منطقاً باید اثرات مشنوم آن نیز باطل گردد. این يك حقیقی است که حتی دول ذي نفع نیز نمی توانند از روی انصاف بصحت آن اعتراف نمایند. در صورتیکه اصل ازین رفته آیان باید فرع نیز بآن ملحق شود؛ لیکن مانساید انتظار داشته باشیم که دیگران بما بگویند بیسائید حقوق حقّه خودتانرا مأخوذ دارید، بلکه ما که خود را صاحب حق میدانیم و فقدان آنرا يك عیب و نقصی در حیات سیاسی و اجتماعی خود تصور میکنیم باید در صدد اعاده آن برآئیم. عیب در اعاده حقوق حقّه نیست بلکه نقص ملاحظه در استرداد آن است.

این نکته را نیز یادآور میشویم که اعاده حقوق حقّه خود مستلزم جنك و جدال نیست. اول باید اراده نمود و بعد بوسیله مذاکرت سیاسی تصمیم خود را با کمال حزم و احتیاط و با رویه مداومت و مقاومت بموقع اجری گذارد. دول متحابه نیز با روابط حسنه که فعلاً خوشبختانه با ایران دارند امید است که با این تصمیم موافقت کنند.



بخاطر دارم بعد از آنکه عثمانیها کاپی‌تولاسیون را در ابتدای جنگ لغو کردند نظر باینکه اساس معاهدات ما بادولت عثمانی بر روی معامله متقابله بود دولت ایران نیز کاپی‌تولاسیون را نسبت به ترکها لغو نمود . در تمام مدت جنگ عثمانیها که سرگرم کشمکش حیاتی بودند این قضیه را مسکوت گذاردند ، لیکن پس از فراغت از جنگ و استقرار روابط عادی سیاسی بادولت ایران اولین مذاکره‌ای که سفیر کبیر طهران با دربار ایران نمود استفاده اتباع خود از حقوق کاپی‌تولاسیون در ایران بود . اینطور استدلال میکرد که چون ما کاپی‌تولاسیون را نسبت بعموم دول لغو کرده ایم پس استفاده اتباع ایران از امتیازات مخصوص مشروع و قانونی نیست و بالعکس چون اتباع سایر دول از حقوق کاپی‌تولاسیون در ایران استفاده میکنند ابطال آن حقوق نسبت باتباع ترکیه معامله استثنائیه خواهد بود و بهیچوجه خود را بمدلول ایران بآنکاء مدلول معاهدات در هر آن ضرورت احترام عهود ، تساوی حقوق ، و دو طرفی بودن آنها را با کمال نزاکت خاطر نشان نمود و قریب دو سال در همین زمینه مکاتبات طولانی فی‌مابین مبادله شد و بالاخره در نتیجه مقاومت ترکها فهمیدند که حرف حق و حسابی را باید شنید و مدلول معاهدات را احترام نمود . ما از این کامیابی دولت خود بی‌اندازه خوشوقتیم و نسبت باینده امیدوار شده ایم .

بطوریکه در فوق ملاحظه شد دولت ایران عجزاً در يك قسمت از اعاده حقوق حقه خود خوشبختانه کامیابی حاصل کرده است . سابقه دیگری که در الفاء حقوق دول متمازه در ایران موجود است ابطال عهد نامه منعقدہ فی‌مابین ایران و یونان مورخه ۲۴ ربیع الاخر ۱۲۷۸

است که در نور ۱۳۰۳ پس از مذاکرات طولانی از طرف دولت ایران لغو شده است. بنا بر این حکومت حاضر چنین سابقه جدیت و مقاومت نیز از خود بیادگار گذارد. و باید در موارد دیگر نیز همین حوصله و بردباری را که مسبب پیشرفت است نصب العین خود نموده مذاکرات سیاسی را در این باب با نمایندگان سایر دول متحابه شروع نماید.

تغییر متن عهد و اعاده بحالت عادی از حقوق مسامحه ایست
 چگونه میتوان
 که ما فعلا خواستاریم و هیچ کس بهیچ عنوان حق
 ندارد که مارا در مطالبه استقرار وضع عادی مورد
 موفق شد؟
 سرزنش قرار داده از استفاده حقوق حقه خود ممنوع
 دارد. لیکن چون نظر عمیق ما این است که خودمان را در جامعه دول
 و ملل متمدنه داخل کرده و از هر حیث خود را همدوش و هم شان
 آنها قرار دهیم پس باید در حالیکه می خواهیم حقوق حقه خود را
 مسترد داریم و برای پیشرفت این منظور و نیز برای اینکه حقوق
 اتباع دول خارجه را هم در ایران کاملاً تأمین نمائیم دولت ما باید در
 اصلاح و توسعه تشکیلات قضائی در سراسر مملکت بیش از پیش بذل
 مساعی بنماید.

این نکته را نیز یاد آور میشویم که اصولاً نباید شروع مذاکرات
 سیاسی را به توسعه تشکیلات قضائی تعلیق نموده در پیش بردن این
 منظور تعویقی جایز بشماریم، چنانکه همسایه ما افغانستان در عین اینکه
 تشکیلات قضائی آن چندان وسیع نیست کلیه حقوق و امتیازات اختصاصی
 اتباع دول خارجه را در مملکت خود بهیچوجه نشناخته است.

الفاء حقوق و امتیازات اختصاصی اتباع دول خارجه و تغییر متن
 عهد نامه ها در ایران دارای دوفایده مهم اساسی است :
 اولاً از لحاظ سیاست خارجی : بر اعتبارات سیاسی و مدنی ایران

افزوده و برآ هم درش دول متمدنه عالم معرفی خواهد نمود و تمامیت قضائی آن کاملاً محفوظ خواهد گردید.

ثانیاً از حیث سیاست داخلی : استقرار امنیت قضائی که در نتیجه توسعه تشکیلات قضائی حاصل میشود مستلزم ازدیاد اعتبارات عمومی و حفظ حقوق اهالی و بالاخره معدوم شدن جانورانی خواهد بود که با تسلط و نفوذ اجانب در ایران همیشه برای تزییع حقوق ضعیفان متشبث به تابعیت اجنبی میشوند .
(امضاء محفوظ)

فصول ۵، ۶، ۷، ۸ معاهده تجارتي ترکن چاي (۱)

فصل پنجم -- چون موافق رسوم جاریه مملکت ایران اتباع خارجه باشکال خانه و مغازه و امکنه وضع مال التجاره برای اجاره پیدا مینمایند لهذا اتباع روس علاوه برحق اجاره مجاز میباشد که خانه برای سکونت و مغازه و امکنه برای وضع مال التجاره بعیضه ملکیت در آورند کارکناران دولت علیه ایران مأذون نیستند که عنفاً داخل خانه و مغازه و امکنه مزبور شوند در صورت لزوم باید باستیذان وزیر مختار یا شارژدافر یا قنصل روس مراجعه کنند و مشار الیهم درکمان یابگی از اجراء خود را مأور خواهند کرد که در موقع معاینه خانه یا مال التجاره حضور بهم رسانند .

فصل ششم -- چون وزیر مختار و شارژدافر اعلیحضرت امپراطور روس و نیز اجراء سفارت و قونسولها و درگاهها اشیائی که متعلق بلبوس است و همچنین غالب ضروریاتی که بجهت معیشت آنها لازم است در ایران پیدا نمیکند علیهذا مأذون هستند که بدون ادای حقوق و سایر تکالیف اشیائیکه فقط مخصوص مصارف خودشان است وارد نمایند .

درباره مامورین رسمی اعلیحضرت شاهنشاه ایران مقیمین ممالک روسیه رفتار بشل ازاین حیث کاملاً منظور خواهد بود

(۱) از کتاب معاهدات ایران تألیف آقای میرزا حسین خان پیرنیا (مؤتمن الملك)

نقل میشود .

اتباع ایران که جزو من تبع وزیر مختار و شارژدافر یا قونسول بوده و بجهت خدمت مشار الیهم لازمند مادامیکه در نزد ایشان هستند مانند اتباع روس و باسویه از حمایت آنها بهره مند خواهند بود

ولی اگر یکی از این اشخاص مرتکب جنحه و بدین سبب مورد سیاست قوانین جاریه شود وزیر ایران یا حاکم و در صورت فقدان او کار گذاران محلی که حق این اقدام را داشته باشند فوراً از وزیر مختار یا شارژدافر یا قونسولی که شخص مظنون در خدمت و است تسلیم مومی الیه را خواهند خواست و اگر این عنوان مبنی بر دلایلی است که تقصیر شخص متهم را ثابت مینماید وزیر مختار یا شارژدافر یا قونسول در قبولی این خواهش نباید هیچگونه اشکالی نمایند .

فصل هفتم - تمام امور متنازع فیها و مرافعاتی که مابین اتباع روس بوقوع میرسد موافق قوانین و رسوم دولت روسیه فقط برسیدگی و حکم سفارت یا قونسولهای اعلیحضرت امپراطور روس رجوع خواهد شد (۱) و همچنین است اختلافات و دعاوی واقعه مابین اتباع روس و اتباع مملکت دیگری در صورتیکه طرفین بحکومت مشار الیهم تراضی نمایند .

اختلافات و مرافعاتی که مابین اتباع ایران و روس بظهور میرسد مراجعه بحدکه شده رسیدگی و حکم آن باید در حضور درکمان سفارت یا قونسولگری بعمل آید - باین قبیل دعاوی که برفوق قانون عادات ختم شده است مجدداً رسیدگی نمیشود و اگر تجدید رسیدگی لزوماً اقتضا نمود باید باستحضار وزیر مختار یا شارژدافر یا قونسول روس و در حضور درکمان سفارت یا قونسولگری در یکی از دفتر خانهای اعلیحضرت شاهنشاه ایران که در تبریز و در طهران منعقد است تجدید رسیدگی بعمل آمده و حکم داده شود .

فصل هشتم - چون وزیر مختار و شارژدافر و قونسول حق قضاوت در ماده هموطنان خود دارند لهذا در صورتیکه مابین اتباع روس قتل و جانیتی بوقوع رسد رسیدگی و محاکمه آن راجع بمشار الیهم خواهد بود

اگر شخصی از اتباع روس با اتباع مملکت دیگری متهم بجانیتی گردید مورد هیچگونه تعرض و مزاحمت نخواهد بود مگر در صورتیکه شرآکت او در جنایت

(۱) مقصود این است که مرافعات مابین تبعه روسیه باید رجوع بسفارت یا قونسول شود و مشار الیهم موافق قوانین روسیه رسیدگی کرده و حکم دهند

مدلل و ثابت شود .

و در اینصورت و نیز در صورتیکه تبعه روس بشخصه منسوب بجرمیت شده باشد محاکمات مملکتی بدون حضور مأموری از طرف سفارت یا قونسول روس نباید بمسئله خیانت رسیدگی کرده و حکم دهند و اگر در محل وقوع جنحه سفارت یا قونسولگری وجود ندارد کارکداران آنجا مجرم را بحلی اعزام خواهند داد که در آنجا قونسول یا مأموری از طرف روسیه برقرار شده باشد حاکم و قاضی محل استشاداتی را که بر علیه و له شخص مظنون است تحصیل کرده و امضا مینمایند و این دو قسم استشهاد که بدین ترتیب نوشته شده و بمحل محاکمه فرستاده میشود سند نوشته معتبر دعوی محسوب خواهد شد مگر اینکه شخص مقصر خلاف وعدم صحت آنرا بطور واضح ثابت نماید .

پس از آنکه کما هو حقه تقصیر شخص مجرم بثبوت رسیده و حکم صادر شد مومی‌الیه به وزیر مختار یا شارژدافر یا قونسول روس تسلیم خواهد شد که بروسیه فرستاده و در آنجا موافق قوانین سیاست شود .

جهانا !

دقیقی مروری

جهانا همانا فسوسی و بازی

که برکس نیائی ویا کس نسازی

یکی را نعیمی یکی را جحیمی

یکی را نشیبی یکی را فرازی

چرا زیرکانند بس تنگ روزی ؟

چرا ابلهانند با بی نیازی ؟

چرا عمر طاووس و دراج کوتاه ؟

چرا مار و کرکس زید در درازی

صدواند ساله یکی مرد غرچه

چرا شصت و سه زیست آن مرد تازی ؟

اگر نه همه کارتو بازگونه است

چرا آنکه ناکس تر او را نوازی ؟